

نوع مقاله: پژوهشی

تفسیر موضوعی به‌مثابه روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی؛ خوانشی نو از دیدگاه قرآنی شهید صدر

علیرضا محمدی فرد / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه

amfard1359@gmail.com

orcid.org/0000-0002-0728-9279

hhasani@rihu.ac.ir

سیدحمیدرضا حسینی / دانشیار گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

چکیده

در نظام اندیشه شهید صدر، قرآن حکیم منبعی برای کشف واقعیات جهان انسانی و نظریه‌پردازی در عرصه مسائل زندگی انسانی است. مسئله اصلی این مقاله کشف و تبیین جایگاه و هویت تفسیر موضوعی در دستگاه اجتهادی - علمی این اندیشمند است. هدف از این تبیین بهره‌گیری از ظرفیت آثار شهید صدر در بعد روش‌شناسی نظریه‌پردازی قرآنی و کشف یکی از عناصر روشی مرجعیت علمی قرآن در تحقق علوم انسانی بومی / دینی است. مسائل فرعی این پژوهش از دو دسته مباحث عام علوم انسانی دینی و مباحث مرتبط با دیدگاه وی در تبیین هویت تفسیر موضوعی تشکیل شده است. بنابراین، روش مناسب تحقیق در مباحث دسته نخست، بهره‌گیری از «راهبرد اکتشافی» و «تحلیل عقلی» آثار شهید صدر است. اما در بعد دوم، همان‌گونه که خود به اجتهادی بودن تفسیر موضوعی اشاره دارد، ملاک سنجش و خوانش دیدگاه‌های وی، همان روش «اجتهادی» است. حاصل تحقیق نشان‌دهنده آن است که تفسیر موضوعی پیشنهادی ایشان در واقع همان روش «نظریه‌پردازی قرآنی» بوده، زمینه‌ساز رجوع روشمند به قرآن، به‌مثابه مرجع دانشی است. تبیین عناصر روش‌شناختی این روش (تکیه داشتن به رویکرد علمی، مسئله‌محوری، اجتهادی بودن، واقع‌نگری، نظریه‌پردازانه بودن) ثابت‌کننده این مدعا است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، شهید صدر، مرجعیت علمی قرآن، نظریه قرآنی.

تلقى قرآن کریم به مثابه منبع معرفتی، بیانگر ویژگی شناختی این کتاب آسمانی است. این ویژگی بنیانی است برای نیل به دانش‌هایی درصدد کشف واقع؛ البته واقع آن‌گونه که خالق جهان، طبیعت و انسان تبیین کرده است. در حقیقت، این کتاب آسمانی، نه یک رشته یا یک کتاب علمی با فهرستی تخصصی، بلکه منبع معرفتی معصومی است که در صورت رجوع روشمند و معتبر، می‌توان از دل آن، معرفت علمی و برنامه عملی کشف کرد.

این مقاله بر آن است تا با محوریت دیدگاه‌های متفکر بزرگ معاصر، شهید سیدمحمدباقر صدر، عناصر روش شناختی نظریه‌پردازی قرآنی را تبیین کند. این امر نشان می‌دهد که تفسیر موضوعی پیشنهادی ایشان در واقع همان روش «نظریه‌پردازی قرآنی» بوده، زمینه‌ساز رجوع روشمند به قرآن، به مثابه منبع معرفتی دانشی است.

برخلاف آثار تحقیقی پیشین - که در ادامه به آنها اشاره می‌شود - سنخ این تحقیق روش‌شناسانه و درصدد کشف روش تحقیق نظریه‌پردازانه از آثار شهید صدر است. در فرایند تولید علم به نحو عام و علم دینی به نحو خاص، این امر مهم است که هر عملیات علمی دقیقاً در چه لایه‌ای از تولید علم قرار دارد و دقیقاً چه سنخی از فعالیت علمی است؟ آیا محققى که به تفسیر موضوعی مشغول است، در لایه بنیادین تولید علم دینی فعالیت دارد؟ یا در حال بهره‌گیری از قواعد است؟ یا صرفاً یک پژوهش معناشناختی انجام می‌دهد؟ یا...

در این تحقیق با تکیه بر قواعد روش شناختی علم و قرائن حاصل از آثار شهید صدر، نشان داده می‌شود که تفسیر موضوعی از دیدگاه شهید صدر یک روش است و این روش - در واقع - روش «نظریه‌پردازی در علوم انسانی براساس آموزه‌های قرآنی» است. بنابراین، مسائل قابل طرح در این تحقیق از دو دسته مباحث مرتبط با علوم انسانی دینی و مباحث مرتبط با دیدگاه شهید صدر در مسئله خاص این تحقیق تشکیل شده است.

برای پاسخ به مسائل قسم دوم، با تکیه بر یک راهبرد اکتشافی، پس از رجوع به منابع متنی این اندیشمند و گردآوری داده‌های مرتبط، برای تحلیل آنها از روش «تحلیل عقلی / متنی» بهره گرفته شده است.

اما در قسم اول، در اعتبارسنجی و معرفی مباحث مرتبط، نیازمند بهره‌گیری از روش «اجتهادی» هستیم. در واقع، چون شهید صدر در فضای علوم انسانی دینی به نظریه‌پردازی پرداخته، ملاک سنجش و خوانش دیدگاه‌ها و آثار ایشان، همان روش «اجتهادی» است.

جست‌وجو در پایگاه‌های داده نشانگر وجود آثاری، اعم از مقاله، کتاب و پایان‌نامه، همسو با موضوع این مقاله است. این آثار عبارتند از:

- «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸):

- «علم و دین در پرتو روش تفسیر موضوعی - علمی قرآن کریم (کاربرد آن در اقتصاد)» (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶):

- «منابع و روش‌های تفسیر موضوعی در سده چهاردهم» (محمدی، ۱۳۷۵):

- «تفسیر موضوعی، جیستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها» (جلیلی، ۱۳۹۸):

- «تنبایسته‌ها در تفاسیر یکصد ساله اخیر» (فرجاد، ۱۳۷۵)؛
- «مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن (یدالله‌پور، ۱۳۸۳)؛
- «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح یزدی» (رجبی، ۱۳۸۸)؛
- «تفسیر موضوعی» (مصباح یزدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸)؛
- «مبانی تفسیر موضوعی با تأکید بر تفسیر المیزان» (کریمی، ۱۳۹۱)؛
- «تفسیر موضوعی و مراحل آن» (فتحی، ۱۳۸۵)؛
- «المجریات الاجتماعیة و التوجه نحو التفسیر الموضوعی (الآخرس، ۱۴۲۷ق)؛
- «ظرفیت‌شناسی تفسیر و علوم قرآنی برای علوم انسانی» (رجبی، ۱۳۹۴)؛
- «بررسی تطبیقی روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن و ارائه تعریفی نو از آن (نظریگی، ۱۳۹۵)؛
- «از موضوع تا مسئله علم در تفسیر موضوعی شهید صدر» (موسوی و محمدی‌فرد، ۱۴۰۱)؛
- «پیش‌فرض‌ها و الزامات تفسیر موضوعی ناظر به نظریه‌پردازی (محمدی‌فرد، ۱۳۹۸).

در این آثار گام‌هایی ارزشمند در تعریف «تفسیر موضوعی»، تبیین مبانی آن و بیان نسبت آن با نظریه‌پردازی قرآنی برداشته شده است. اما این تحقیق با طرح مسئله‌ای نو و تمرکز بر دیدگاه‌های شهید صدر، تلاش دارد تا در فروگشایی و حل مسئله هویت روشی «تفسیر موضوعی» و تأثیر آن بر رجوع به قرآن به‌مثابه یک منبع معرفتی، نقش ایفا کند. بیشترین قربت با این مقاله را تحقیق مریم نظریگی دارد. این اثر با وجود تلاش فراوان و قابل تقدیر برای برقراری ارتباط میان تفسیر موضوعی و روش‌شناسی تحقیق در علوم انسانی، بیشتر بر مباحث انتزاعی و مبانی عام الگوواره‌ای تکیه دارد تا هویت روشی تفسیر موضوعی.

دو اثر اخیر نیز که توسط نویسنده و همکاران نگاشته شده و به ابعادی از تفسیر موضوعی شهید صدر و هویت روشی آن اشاره دارد، با وجود فراهم ساختن زمینه ورود به این مقاله، همپوشانی جزئی با موضوع این مقاله دارند.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. نظریه

با توجه به اینکه هدف تفسیر موضوعی شهید صدر کشف «نظریه» از قرآن کریم معرفی شده است (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۱۹ و ۲۷ و ۳۳)، اشاره‌ای گذرا به تعریف «نظریه» می‌شود. نظریه‌های علوم انسانی به دو قسم نظریه «نظریه‌سازان» و نظریه «پژوهشی» تقسیم می‌شود.

۱-۱-۱. نظریه «نظریه‌سازان»

به نظریه‌هایی اطلاق می‌شود که:

- بدون ارجاع مستقیم یا با ارجاعاتی ضعیف به یافته‌های پژوهشی تولید می‌شود.

– بیشتر معطوف به تألیف و بناسازی روی نظریه‌پردازی‌های قبلی است.
– توسط نویسندگانی به وجود می‌آید که قصد آنها پروراندن درکی از زندگی اجتماعی برحسب مفاهیم و اندیشه‌های بنیادین است.

– سطح انتزاع آنها ممکن است چنان بالا باشد که فقط چشم‌انداز وسیعی به زندگی اجتماعی عرضه کنند، نه تعبیرهای تبیینی درباره آن (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷ و ۲۰۸).

بنابراین، این‌گونه نظریه‌ها از سطح انتزاعی بالایی برخوردار بوده، روایی آنها وابستگی اولی و اساسی به پژوهش‌های تجربی ندارد. بدین‌روی، شمول این نظریه‌ها زیاد است و دایره وسیعی از رخدادهای انسانی را تبیین می‌کند.

۲-۱. نظریه «پژوهشی»

در مقابل، نظریه «پژوهشی» نظریه‌ای است که:

– به دو صورت کمی و کیفی تولید می‌شود.

– چه در روش‌شناسی کمی و چه کیفی، الگوهای مستمر یا توالی‌های منظم زندگی اجتماعی را تبیین می‌کند.

– آنها پاسخی به پرسش‌هایی درباره چرایی رفتار مردم به شیوه‌ای خاص در اوضاع اجتماعی مشخص و

چرایی سازمان‌یافتگی زندگی اجتماعی به سیاق مشهود هستند (همان، ص ۱۸۷-۱۸۸).

تطبیق این اقسام بر طرح شهید صدر، نشان می‌دهد که وی به دنبال نظریه‌هایی از سنخ اول، یعنی نظریه

«نظریه‌سازان» است؛ زیرا از دیدگاه شهید صدر، تمسک به روش «تفسیر موضوعی» راهی است که ما را قادر می‌سازد

تا در برابر موضوعات گوناگون زندگی به «نظریه‌های اساسی» قرآن دست یابیم (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۳۳).

۲-۱. نظریه «اساسی»

نظریه‌ای است که در ساحت‌های کلان حیات بشری مطرح است. توجه به روش «مسئله‌یابی» شهید صدر - که در

ادامه مقاله تبیین می‌شود - مؤید این مطلب است؛ زیرا کشف و حل مسئله در سطوح کلان بشری، منتهی به ارائه

نظریه‌هایی در همان سطح (یعنی نظریه‌های اساسی یا نظریه‌سازان) خواهد شد.

مراد از «عناصر روش‌شناختی» در این اثر، مجموعه مؤلفه‌هایی است که برای ارائه نظریه از قرآن، در دیدگاه

شهید صدر مطرح است و در نظر داشتن آنها، هویت روشی تفسیر موضوعی نزد این اندیشمند را آشکار می‌کند.

۲. مبانی نظریه‌پردازی از دیدگاه شهید صدر

مسئله این مقاله تبیین هویت روشی «تفسیر موضوعی» در دستگاه علوم انسانی شهید صدر است. اما نظریه‌پردازی

به طور عام، و پژوهش در علوم انسانی قرآنی به طور خاص مبتنی بر آن عناصر و مبانی است که بنیان‌های

مطالعات علمی روشمند را تشکیل می‌دهد. این عناصر در پس فعالیت‌های علمی پژوهشگران وجود دارد و مسیر

تولید علم را برای آنان هموار کرده، زمینه‌های شکل‌گیری علوم انسانی را فراهم می‌کند. شهید صدر همچون هر

روش‌شناس و فیلسوف علمی توجه دارد که بدون تبیین این مبانی، نظریه‌پردازی در علوم انسانی و رجوع روشمند به قرآن امکان‌پذیر نیست. در اینجا به پایه‌ای‌ترین و پردامنه‌ترین آنها در نظر این اندیشمند که پشتوانه تبیین هویت روشی تفسیر موضوعی است، اشاره می‌شود:

۱-۲. طرح رویکرد به‌مثابه الگواره

شهید صدر با به‌کارگیری اصطلاح «اتّجاه» (رویکرد) به پشتوانه‌های فکری، تاریخی و متافیزیکی علم و - در واقع - به امور شکل‌دهنده بنای علم اشاره می‌کند (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۱۸ و ۳۶)؛ همان نقشی که «پارادایم» در علوم انسانی رایج ایفا می‌کند.

وی معتقد است: در تدوین قوانین جامعه اسلامی، نباید از جریان‌ها و ایدئولوژی‌های دیگر تأثیر پذیرفت، بلکه باید به‌دنبال نظام اجتماعی و اقتصادی استنباط و استخراج شده از منابع شریعت بود که در عرض دیگر نظام‌های بشری، پاسخگوی نیازها و مشکلات روز باشد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۵۴-۳۵۷).

به بیان شهید صدر، اصطلاح «رویکرد» به جریانات اصلی علمی اشاره دارد که - دست‌کم - از دو بخش «مذهب» و «علم» تشکیل می‌شود. مراد شهید صدر از اصطلاح «مذهب» در اینجا طریقه‌ای است که جامعه آن را انتخاب می‌کند تا در حل مشکلات عملی خود در زندگی از آن کمک بگیرد. این اصطلاح مفاهیم و افکار علمی و ارزشی یک رویکرد علمی را شامل می‌شود (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۳۶-۳۷). در این سطح، امکان ساخت و ساز مفاهیم و نظریه‌های لازم برای شکل‌دهی نظام فکری هر رویکرد فراهم می‌شود. از این‌رو شهید صدر بر مسلمانان آگاه لازم می‌داند اسلام را مبنای فکری و چارچوب کلی تمام افکار تمدنی خود و مفاهیم مربوط به هستی، زندگی، انسان و اجتماع قرار دهند (صدر، ۱۳۹۳، ص ۴۶۱).

در مقابل، «علم» عبارت است از: کشف واقع و قوانین واقع. در حقیقت، در هر رویکرد، مذهب عنصر فعال و عاملی از عوامل خلق و نوآوری است، اما علم آنچه را در مسیر رویدادهای زندگی رخ می‌دهد بی‌هیچ‌گونه دخالت و دستکاری ثبت می‌کند (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۲۴۵).

از این‌رو شهید صدر تفاوت مذهب اقتصادی و علم اقتصاد را در «وظیفه» آن دو می‌داند، نه در «موضوع» آنها؛ یعنی هر دو می‌توانند در یک موضوع سخن بگویند، اما وظیفه علم اقتصاد، کشف پدیده‌های حیات اقتصادی و روابط آنها، و وظیفه مذهب اقتصادی ایجاد طریقه‌ای برای تنظیم حیات اقتصادی است (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۱۳۴).

ایشان در این تقسیم‌بندی، با تقسیم رویکرد به دو بخش «مذهب» و «علم»، مذهب را راهبر و تدبیرگر اصلی ورود به واقعیت‌های اجتماعی می‌داند. بنابراین، مذهب در اصطلاح شهید صدر، ضمن برخورداری از قوانین، قواعد، نظریات و راهکارهایی برای تنظیم زندگی و روابط اجتماعی انسان‌ها، به توصیه‌های بنیادین اجتماعی و سیاستی نیز منجر می‌شود. همچنین علم شامل حیث شناختی و توصیف پدیده‌های اجتماعی، انسانی و اقتصادی می‌گردد.

به تعبیر دیگر، نظریه‌های کلان و اساسی در لایه مذهب ارائه می‌شود و نظریه‌های توصیفی و تبیینی که ناظر به واقعیت موجود انسانی و اجتماعی است، در لایه علم حاصل می‌گردد. برای نمونه، در شکل‌گیری دانش اقتصاد، محققان با یک «مذهب اقتصادی» و یک «علم اقتصاد» مواجهند که اصطلاح «رویکرد» (اتجاه) دربردارنده هر دو می‌باشد. مذهب اقتصادی شامل بنیان‌های فکری و راهبردی کلان به‌مثابه «نظریه‌های اساسی» است و «علم اقتصاد» دربردارنده «نظریه‌های پژوهشی» از واقع موجود است که مبتنی بر نظریه‌های اساسی، وظیفه توصیف و تبیین پدیده‌های اقتصادی موجود را دارد.

عبارات شهید صدر نشانگر آن است که «مذهب» در اصطلاح ایشان مرتبط با بنیان‌های فکری و عمدتاً پیشاتجربی است و بنابراین مربوط به نوع انسان است؛ اما «علم» مربوط به واقع موجود است. بنابراین به جامعه خاص انسانی در شرایط زمانی و مکانی خاص مرتبط است (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۱۴۱ و ۱۱۹).

۲-۲. واقع‌گرایی در تولید دانش

هر دیدگاه کلان فلسفه علمی موظف است تا ملاک‌های علمی بودن را در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل آنها به نظریه، معرفی و تبیین کند. شهید صدر با اتخاذ مبنای واقع‌گرایی، حضور واقعیت به‌عنوان ابزار سنجش مذهب علمی را امری تثبیت‌شده می‌داند. بر این اساس، در مرحله مذهب علمی، سه موضوع را برای قضاوت میان مبانی مذاهب علمی دارای اعتبار می‌داند:

- ۱) واقعیت تاریخی که هر مذهب درصدد تفسیر آن است.
- ۲) انسجام میان قوانین و نظریات درونی یک رویکرد؛
- ۳) بررسی استدلال‌های موجود در پس نظریه‌های اساسی که اساس بنای مذهب فکری است (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۵۵).

اما در سطح علم - همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد - این تجربه است که می‌تواند میزان کامیابی نظریه در تفسیر واقعیت را نشان دهد. بنابراین، واقع‌گرایی در سطح مذهب علمی و در سطح تجربی، از نظر شهید صدر امری آشکار است.

۲-۳. کارکرد تفسیرگری علم

شهید صدر وظیفه علم را گزارش دقیق و تفسیر بدون دستکاری واقع می‌داند (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۲۲۸). از منظر ایشان وظیفه علم - اعم از علوم انسانی یا علوم طبیعی - صرفاً کشف امور واقع، قوانین واقع و روابط میان قوانین حاکم بر آنها در عالم واقع است (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۱۳۲-۱۳۳). بنابراین در سطح رجوع به واقع موجود، علوم طبیعی و انسانی، هر دو در مقام اکتشاف هستند. از همین رو، ایشان اقتصاد مارکسیستی را علم تاریخی می‌داند که می‌کوشد کل تاریخ را در پرتو نیروهای تولید، تفسیر اقتصادی کند (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۲۴۵).

به‌باور ایشان، این رویکرد انتقادی بر آن است تا در یک اجماع فکری، به تفسیر تاریخ بشر و واقعیت‌ها بپردازد و از این مسیر، ساختارهای اجتماعی را بر حسب روابط مالکیت و نیروهای تولید تفسیر کند (همان، ص ۲۹۸-۲۹۹). این تعبیر بدان معناست که عناصر متافیزیکی و بنیان‌های نظری پیشین - خواسته یا ناخواسته - در تفسیر این رویکرد از واقعیت حضور دارند.

با این وصف، سخن گفتن از دانش انسانی و اقتصادی محض، بدون پشتوانه‌های اخلاقی، تاریخی و فلسفی، غیرممکن است. «طرح رویکرد» علمی شهید صدر این است که استلزامات نظریه و مذهب به‌مثابه پشتوانه‌های نظری کار علمی حفظ شود. برای نمونه، از دیدگاه ایشان قوانین اقتصادی تولید، در همه جوامع با هر مذهب اقتصادی مشترک هستند، ولی قوانین توزیع، بسته به مذاهب اقتصادی گوناگون، متفاوت می‌شوند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۱۳۶). بنابراین، نظریه توزیعی اسلام با نظریه توزیعی مارکسیستی (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۸۰۱-۸۰۲) و سرمایه‌داری (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹-۱۴۰) مغایرت دارد.

با این وصف، این نظریه‌های اساسی هستند که به‌مثابه پیشینه فعالیت‌های تحقیقاتی دانشمندان محسوب می‌شوند و تجمیع این نظریه‌ها در کنار شرایط دیگر، شکل‌دهنده مذهب است، که یک نمونه از این نظریه‌های اساسی در مذهب علمی، نوع تقریر از عدالت در رویکردهای مختلف است.

البته از دیدگاه شهید صدر این مباحث اختصاص به اقتصاد ندارد و اسلام طرحی جامع برای زندگی اجتماعی انسان دارد که سیاست و اقتصاد جزئی از آن است که بدون کشف طرح جامع اسلام برای زندگی اجتماعی انسان، صرف کشف مکتب اقتصادی اسلام برای اداره زندگی انسان کارایی ندارد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲-۱۸۳).

بر این اساس، با وجود وظیفه تفسیری علم، تجربه را نمی‌توان بدون ملاحظه پیش‌فرض‌ها و مقبولاتی که دانشمند پیش از ورود به فعالیت علمی پذیرفته است، به‌مثابه علم و تفسیر واقعیت پذیرفت؛ بدین نحو که نظریه‌ها در سطح مذهب علمی، هم در مذهب مارکسیستی، هم سرمایه‌داری و هم اسلامی، منظره‌هایی در اختیار دانشمندان خود قرار می‌دهند که واقعیت را از آن ببینند.

۴-۲. منابع معرفتی تولید علم

فرایند نظریه‌پردازی در هر پژوهش علمی نیازمند گردآوری داده‌هاست. این داده‌ها در رویکردهای علمی گوناگون، در دو قسم منابع معرفتی «تجربی» و «غیرتجربی» ریشه دارد. در بعد غیرتجربی، منبع عقل و متون دینی مطرح است، و در بعد تجربی، مطالعات تجربی درباره کنشگری فردی و اجتماعی انسان‌ها و مبادی کنش در میان است.

در علوم اجتماعی و انسانی رایج، هر الگواره علمی، منابع معرفتی معتبر ویژه خود را معرفی می‌کند. از یک‌سو، یکی از مسائل مهم فلسفه علم این است که داور نهایی و منبع معرفتی مرجع در تعیین و ارزیابی نظریه‌های علمی کدام منبع معرفتی است؟ (حسنی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲-۱۴۳) مثلاً، در رویکرد «اثبات‌گرایی»، تجربه در قالب داده‌های کمی است که داور نهایی به شمار می‌آید؛ یعنی تنها زمانی نظریه علمی تثبیت می‌شود که تجربه کمی آن را اثبات

کرده باشد. یا در رویکرد «تفسیری»، این دانش عامه است که داور نهایی است؛ زیرا در این رویکرد، واقعیت اجتماعی همان دانش بین‌الادّهانی جوامع انسانی نیست. بنابراین، در این رویکرد، ملاک ارزیابی دانش و نظریه به‌دست آمده، تجربه کیفی است (ایمان، ۱۳۹۶، ص ۲۶۳).

در «طرح رویکرد»ی شهید صدر، منابع معرفتی ارجاع داده‌شده وی در دو حوزه کلی «منابع معرفتی مذهب علمی» و «منابع معرفتی علم» دسته‌بندی می‌شود. ایشان با بیان اینکه به لحاظ تاریخی دو شیوه اندیشیدن «عقلی» (یعنی داور نهایی و معیار اساسی عقل است و صحت تمام افکار و معلومات با آن سنجیده می‌شود) و «تجربی» (یعنی معیار صحت‌سنجی تمام افکار و معلومات تنها تجربه است) وجود دارد، تفکر اسلامی را تابع هیچ‌یک از این دو نمی‌داند.

از دیدگاه ایشان، اسلام، هم تجربه‌گرایی صرف را رد می‌کند و هم عقل‌گرایی صرف را، بلکه شیوه اندیشیدن عقلی را پیشنهاد می‌کند. در این شیوه، عقل در مواردی که به تجربه نیاز است، باید به تجربه روی آورد؛ اما در نهایت، تفسیر این تجربه و نتیجه‌گیری از آن بر عهده عقل است (صدر، ۱۳۹۳، ص ۴۵۲-۴۵۴؛ همو، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۳۰-۳۲).

ایشان با سطح‌بندی معرفت‌های بشری، تجربه‌گرایی محض را غیرممکن دانسته، هر نظریه تجربی را نیازمند تکیه داشتن به دیدگاه عقلی پیشین می‌داند و اساس و آغاز علم و معرفت بشری را از عقل می‌داند (صدر، ۱۴۲۱ق - ب، ج ۱، ص ۱۳ و ۲۶). «علّیت» یک نمونه از معرفت‌هایی است که از دیدگاه شهید صدر با تجربه محض حسی قابل درک نیست (همان، ص ۷۸-۸۰۹).

شهید صدر بر آن است که رویکردهای علمی در سطح مذهب در بخش مهمی از خود، وابسته به منابع اجتهادی هستند که عبارتند از: کتاب خدا و سنت روایت‌شده از معصومان و در طول آنها، نظریه‌های فقهی اندیشمندان اسلامی (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۴۱۲-۴۶۰). با این وصف، ایشان با تأکید بر لزوم توجه به معرفت مرجع، بر معرفت مرجع بودن تجربه در سطح علم تأکید دارد. از این‌رو شهید صدر با تفکیک منبع معرفتی مرجع در دو سطح «مذهب» و «علم» معتقد است: روش تحقیق در علم اقتصاد، روش «تجربی» است؛ اما این روش در مذهب اقتصادی کافی نیست (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۱۳۷-۱۴۰).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: منابع معرفتی معتبر در طرح شهید صدر عبارتند از: تجربه، داده‌های عقلی، و منابع دینی. البته هریک از اینها در سطوحی از تولید دانش، مرجعیت دارد؛ داده‌های عقلی و منابع دینی در لایه مذهب، و تجربه در لایه علوم تجربی.

۲-۵. سطوح نظریه

از دیدگاه شهید صدر بهره‌گیری از یک سیر فرایندی از واقع‌زندگی به‌سوی قرآن - که روش خاص خود را نیز می‌طلبد - محقق را به نظریه‌های اساسی قرآن می‌رساند (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۱۹ و ۲۴-۲۵). بررسی

فرایند کشف موضوع در تفسیر موضوعی شهید صدر، نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، واقع‌زندگی موقعیتی را برای مفسر ترسیم می‌کند که به وضعیتی کلان اشاره دارد. او از یک سو قلمروهای واقع‌زندگی را به هر سه سطح «باوری»، «اجتماعی» و «وجودی» تعمیم داده (همان، ص ۲۳، ۲۷، ۳۰ و...)، در تمام آن سطوح، موضوع را در دو جهت عمودی و افقی گسترش می‌دهد (همان، ص ۳۷-۳۸) و از سوی دیگر، بر این باور است که مفسر در هنگام رجوع به قرآن، باید موضوع را با تجربه‌ها، راه‌حل‌ها و نقاط حل‌ناشده بشری بارور کند (همان، ص ۱۹ و ۲۹).

از دیدگاه شهید صدر باید به حوزه‌های مرتبط با مسائل زندگی، به تمام تجربه‌ها، علوم بشری و به مکاتب مختلف فکری که در طول حیات بشری، تجربه‌هایی را به تجارب بشری افزوده‌اند، توجه داشت. نتیجه این سنخ رویکرد به کشف مسئله، این است که پرسش‌های حاصل از تجربه‌های بشری پرسش‌هایی عام است و پاسخ آنها به ارائه نظریه‌های اساسی در علوم انسانی منتهی خواهد شد. بنابراین تفسیر موضوعی در سطحی به دنبال اکتشاف نظریه انسانی و اجتماعی قرآن است که در لایه‌های عمیق و زیرین علم مطرح است.

در اندیشه شهید صدر در قبال این اصطلاح «نظریه اساسی» با مفهوم «نظریه‌های روبنایی یا غیراساسی» مواجهیم. بنابراین با توجه به مباحث پیشین (لایه مذهب و لایه علم؛ کمرنگ بودن تجربه در سطح مذهب و محوریت تجربه در سطح علم؛ و وظیفه تفسیری علم در ساحت تجربه)، دو سطح از نظریه‌های علمی در طرح شهید صدر شکل می‌گیرد:

۱. «نظریه‌های اساسی» که عمدتاً مبتنی بر استدلال‌های پیشاتجربی هستند، هرچند ممکن است تجربه‌های تاریخی هم در آنها نقش داشته باشد. این سنخ نظریه‌ها بنیان‌های رویکردهای علمی را شکل داده، زمینه آغاز نظریه‌های تجربی را فراهم می‌آورد.

۲. «نظریه‌های موقعیتی» که مبتنی بر تجربه بوده، هدف آنها توصیف و تفسیر واقع موجود است. در قسم اول، ملاک معتبر بودن نظریه، صحت‌سنجی استدلال‌های در پس آن است؛ استدلال‌هایی که حاصل منبع بودن عقل، منابع دینی و گاه تجربه است، و در قسم دوم، ملاک تنها تطابق با واقع تجربی موجود است.

۲-۶. تمایز قوانین علوم انسانی از علوم طبیعی

در قرآن گزاره‌هایی در ارتباط با علوم انسانی و علوم طبیعی یافت می‌شوند. با وجود این، هنگامی که از اکتشاف نظریه‌های علمی قرآن سخن به میان می‌آید، جای این پرسش هست که آیا سهم علوم طبیعی و علوم انسانی در رجوع به آیات قرآن یکسان است؟

شهید صدر پس از تبیین هدف قرآن که «هدایت انسان» است و وظیفه قرآن در راستای آن هدف که «عملیات تغییر انسان» است، بیان می‌کند که موضوعات علوم انسانی (مانند قوانین تاریخی) هم‌راستا با همان هدف و وظیفه قرآن است، به‌خلاف موضوعات علوم طبیعی که طرح آن در قرآن استطرادی و جانبی بوده است (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۴۷-۴۹).

از دیدگاه آن شهید، مناسبات انسان با طبیعت، زاینده توانایی علمی اوست و توانایی علمی انسان همواره نو می‌شود و تکامل می‌یابد (صدر، ۱۳۹۳، ص ۸۶). از دیدگاه ایشان، حتی تجربه انسان در امور انسانی، با تجربه انسان در امور طبیعی متفاوت است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱-۱۲۲).

بنابراین، آنچه شهید صدر به‌عنوان «قانون» یا «نظریه» می‌خواند، در دو ساحت علوم انسانی و علوم طبیعی مطرح است و به دو سنخ متمایز قابل تفکیک است.

بازگشت این مطلب به مسئله‌ای در فلسفه علم است که آیا روش‌های علوم انسانی تابعی از روش‌های علوم طبیعی هستند، یا علوم انسانی روش‌شناسی خاص به خود را داشته، در این منطقه از علوم طبیعی مستقل است؟ (ر.ک: بلیکی، ۱۳۹۵، ص ۵۸-۵۷) این دوگانگی روش‌شناختی مبتنی بر پاسخ رویکردهای علمی گوناگون به این پرسش است. در صورتی که یک رویکرد علمی قوانین و نظریه‌های علمی در علوم انسانی را ماهیتاً متفاوت از علوم طبیعی بداند، روش‌های این دو شاخه از علم نیز متفاوت خواهد بود.

این تفکر را در دیگر آثار شهید صدر نیز می‌بینیم؛ آنجا که ایشان قوانین موجود در اقتصاد را دو دسته می‌داند که از ترکیب آن دو، قانون‌های علوم انسانی شکل می‌گیرد:

الف) قوانین طبیعی مستقل از اراده؛ مانند قانون «بازده نزولی» در اقتصاد (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۲۸۸؛ همو، ۱۳۹۳، ص ۸۷)؛

ب) قوانین اقتصاد سیاسی که با اراده انسان پیوند دارد؛ مانند قانون «عرضه و تقاضا» (صدر، ۱۴۳۳ق، ص ۲۸۸). این تفکیک به‌خوبی نشان می‌دهد در «طرح رویکردی» شهید صدر، قوانین و نظریه‌هایی که محقق به دنبال آن است، با توجه به اینکه مستقل از اراده انسان یا در پیوند با آن باشد، از یکدیگر تفکیک می‌شوند. قسم اول نظریه‌های علوم طبیعی و قسم دوم نظریه‌های علوم انسانی هستند. هرچند گاه ترکیبی از این نظریه‌ها برخی قوانین عام علوم انسانی، از جمله اقتصاد را می‌سازد.

۲-۷. جایگاه قرآن در نظریه‌پردازی از دیدگاه شهید صدر

همان‌گونه که گذشت، محقق علوم انسانی هنگام ساخت مفاهیم و نظریه‌ها، افزون بر استفاده از روش معتبر، باید منابع معتبر و منبع معرفتی مرجع خود را روشن کند تا مراحل و فرایند تولید علم مشخص باشد. در این امر علوم انسانی قرآن‌بنیان نیز مستثنا نبوده، محققان این عرصه نیازمند تعیین منبع معتبر و مرجع هستند.

شهید صدر به‌رغم تأکید بر بهره بردن تفسیر موضوعی از تجربیات بشری، و با وجود مهم دانستن نقش تجربه در شناسایی موضوع، ملاک اعتبارسنجی نظریه اساسی را از جهت علمی بودن، تجربه نمی‌داند، بلکه قرآن را به‌مثابه منبع معرفتی مرجع تعیین می‌کند و نقش مفسر موضوعی را کشف نظریه‌های قرآنی می‌داند (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۳۵-۳۶).

از دیدگاه ایشان، قرآن تنها کتاب جامع است که تمام پدیده‌ها را که با واقع اجتماعی یا تاریخی بشر مرتبط هستند، از بدو وجود و خلقت تا پایان جهان، تفسیر می‌کند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۳۵-۲۳۶). همچنین قرآن تمام مراحل اصلی حرکت تاریخی بشر را ذکر کرده (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۳۹-۲۴۰) و شریعت اسلامی یگانه دینی است که قدرت پر کردن خلأهای زندگی انسان و حل تمام مشکلات او را در سراسر زمین و به بهترین شیوه ممکن، و تأمین سعادت وی را در زندگی شخصی و اجتماعی در دنیا و آخرت دارد (همان، ص ۴۱۶ و ۲۷۴). بنابراین، تأکید این اندیشمند بر استخراج نظریه‌های قرآنی و پاسخ گفتن به پرسش‌های حاصل از زندگی بشری از قرآن، نشان‌دهنده مرجعیت منبع معرفتی قرآن در نظام فکری اوست.

این مغایرت منبع معرفتی مرجع در نظام فکری شهید صدر با رویکردهای علمی دیگر، و در پی آن، مغایرت روش او با روش‌های دیگر رویکردها، نشان‌دهنده تفاوت نظام تولید علم در دیدگاه ایشان براساس یک رویکرد علمی خاص است. بنابراین، تفسیر موضوعی شهید صدر از این نظر که منبع معرفتی مرجع را در نظریه‌پردازی، قرآن می‌داند، نشان‌دهنده نگاه ویژه ایشان در عرصه علوم انسانی دینی است.

بنابراین مراد از «مرجعیت علمی قرآن»، منبع معرفتی مرجع بودن قرآن در تولید معرفت و نظریه علمی است. به‌تعبیر شهید صدر هر رویکرد (اتجاه) علمی، به‌دنبال تولید و توسعه نظریه‌های علمی است. این نظریه‌ها که همان معرفت‌های علمی نسبت به واقع زندگی انسانی هستند، مبتنی بر داده‌هایی تولید می‌شوند. این داده‌ها برآمده از منابع معرفتی هستند و منابع معرفتی معتبر در هر رویکرد علمی، تعیین‌کننده سنخ معرفت و نظریه‌ای است که در آن رویکرد تولید می‌شود. بنابراین، آن هنگام که در رویکردهای علم دینی، قرآن به‌مثابه یک منبع معرفتی معتبر و مرجع معرفی می‌شود، رجوع نظریه‌پردازان برای نظریه‌پردازی، به این منبع است و نظریه‌ای که در این رویکردها تولید می‌شود نظریه‌ای قرآنی و دینی است. البته تذکر این نکته مهم است که شهید صدر به‌نحو کلی، منابع معرفتی اصلی دین را کتاب و سنت می‌داند (صدر، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۴۶)، ولی در تفسیر موضوعی که محوریت با قرآن است و برقراری ارتباط میان مدارک برآمده از معانی قرآنی انگیزه اصلی است، مرجعیت را صرفاً با قرآن می‌داند.

۳. هویت روشی تفسیر موضوعی

تبیین تفسیر موضوعی به‌عنوان روش، نخست مبتنی بر مبانی نظریه‌پردازی است. از این‌رو، ابتدا با تکیه بر دیدگاه‌های شهید صدر در عرصه نظریه‌پردازی در علوم انسانی، مبانی تفسیر موضوعی معرفی می‌گردد، سپس عناصر روش‌شناختی این تفسیر تبیین می‌شود.

۳-۱. مبانی تفسیر موضوعی، به‌مثابه روش نظریه‌پردازی

«روش» مفهومی عام است که در گستره تمام دانش‌ها ماهیتی یکسان دارد، هرچند در هر دانشی اقتضائات خاص خود را می‌یابد. در تعریفی عام، روش‌های تحقیق عبارتند از: فنون و شیوه‌های مورد استفاده برای گردآوری و تحلیل

داده‌ها (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۲۲). به بیان دیگر، روش تحقیق تک‌تک گام‌ها و دستورالعمل‌ها در مراحل تحقیق را برای محققان مشخص می‌کند (جانکر و پنینک، ۱۳۹۴، ص ۳۷). اما بر پایه مبانی فلسفه علمی و مطالعات مرتبط با فرایند تولید علم، میان «هستی‌شناسی»، «معرفت‌شناسی» و «روش‌شناسی»، ارتباط منطقی برقرار است و هر پژوهش علمی باید از نظر این مواضع سه‌گانه دارای انسجام و همگرایی باشد. در غیر این صورت، تحقیق یا سؤال تحقیق با اختلال روبه‌رو شده، معرفت به‌دست‌آمده مخدوش و غیرعلمی خواهد بود. روش‌های تحقیق نیز از این امر مستثنا نیست و باید با روش‌شناسی از پیش تعیین‌شده منطبق باشند؛ زیرا روش‌های تحقیق همواره در جریان‌های علمی شکل گرفته، نظریه‌بار هستند (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

با توجه به این ویژگی، نمی‌توان توقع داشت روش‌ها بی‌واسطه ما را به واقعیات انسانی و تولید معرفت علمی متصل کنند. بنابراین، روش‌ها مبتنی بر مبانی و توصیه‌شده توسط روش‌شناسی هستند و اعتبار خود را از روش‌شناسی تحقیق می‌گیرند. بدین‌روی، با وجود روش‌های متعدد تحقیق، محقق در صورتی مجاز به بهره‌گیری از یک روش خاص در تحقیق خویش است که پیش‌فرض‌های علم‌شناختی و روش‌شناسی تحقیق وی آن را مجاز شمرده باشد.

با توجه به آنچه ارائه شد، «روش» عبارت است از: مجموعه قواعد معین و گام به گام که تمام مراحل تحقیق، از کشف مسئله، تا رجوع به منابع معرفتی برای گردآوری داده‌ها، و از تحلیل داده‌ها تا ورود به واقع زندگی بشری و ارائه نظریه را دربر می‌گیرد. در فرایند تولید نظریه‌های علوم انسانی، تمام مراحل «کشف مسئله»، «رجوع به منبع معرفتی»، «تحلیل داده‌ها» و «مفهوم‌سازی داده‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در جهت ارائه نظریه» باید روشمند و مبتنی بر پیش‌فرض‌های علم‌شناختی باشد.

از سوی دیگر، نظریه‌پردازی در علوم انسانی قرآنی، خارج از اصول و ضوابط کلی تولید علم در علوم انسانی نیست. بنابراین، تولید علم قرآنی نیازمند رجوع روشمند به قرآن کریم است. این رجوع روشمند در مطالعات قرآنی برای متصل بودن به یک رویکرد علمی و برخوردار از پیش‌فرض‌های علم‌شناختی، مستلزم در اختیار داشتن روشی برای رجوع به قرآن است که از عناصر ذیل برخوردار باشد:

- منبع معرفتی مرجع آن قرآن باشد.
 - مبتنی بر یک رویکرد منسجم علمی باشد.
 - مبتنی بر روش‌شناسی متناسب با متن معصوم باشد و روش معتبر گردآوری و تحلیل داده‌ها از قرآن را ارائه کند.
 - مسئله‌محور باشد و روش معتبر کشف مسئله را ارائه دهد.
 - با هدف قرآن که ارائه برنامه برای واقع زندگی بشر است، متناسب باشد.
 - قابلیت مفهوم‌سازی متناسب با مفاهیم قرآنی و اکتشاف نظریه از قرآن را داشته باشد.
- از دیدگاه این نوشتار، این ویژگی‌ها در تفسیر موضوعی پیشنهادشده توسط شهید صدر جمع است. به عبارت

دیگر، تفسیر موضوعی شهید صدر همان روش معتبر مراجعه به قرآن برای دستیابی به معرفت علمی و نظریه‌پردازی از آن است. بنابراین، با روشن ساختن هویت روشی این قسم تفسیر و با تبیین مؤلفه‌های هویت‌بخش آن می‌توان به عناصر روش‌شناختی که سازنده این روش است، دست یافت. با به دست آوردن این مؤلفه‌ها، آشکار خواهد شد که شهید صدر کوشیده است تمام ویژگی‌های مذکور برای روش تحقیق‌بخش مرجعیت علمی قرآن را در تفسیر موضوعی خود تجمیع کند.

۲-۳. عناصر روش‌شناختی تفسیر موضوعی شهید صدر

برای روشن شدن این مسئله که تفسیر موضوعی قابلیت ایفای نقش روشی به‌عنوان روش تحقیق‌بخش مرجعیت علمی قرآن را دارد، عناصر روش‌شناختی آن را بررسی می‌کنیم. با کنار هم نهادن مجموع این عناصر، ظرفیت تفسیر موضوعی شهید صدر به‌مثابه یک روش در علوم انسانی دینی آشکار می‌شود.

۱-۲-۳. تفسیر موضوعی؛ روش علمی اجتهادی برای رجوع به قرآن

از دیدگاه شهید صدر «اجتهاد» نزد اصولیان متأخر، مرادف با عملیات استنباط است. هر عملیاتی که فقیه آن را انجام می‌دهد تا حکم عملی شرع را استنباط کند، داخل در اجتهاد است (صدر، ۱۴۲۱ق - ج، ص ۶۱-۶۲). بنابراین، تنها آن عملیات استنباطی که منتهی به حکم شرعی شود «اجتهاد» مصطلح است، نه هر عملیاتی که بر روی متون دینی صورت گیرد. از سوی دیگر، ایشان حکم شرعی در فقه را برنامه‌ای برای تنظیم حیات انسان دانسته، آن را «نظریه فقهی» می‌نامد (همان، ص ۶۳). بنابراین روشن می‌شود که حکم شرعی از دیدگاه شهید صدر نوعی نظریه در سطح تنظیم حیات بشری است که می‌توان گفت: «نظریه‌های اساسی» از قرآن درباره زندگی بشر لایه‌ای پیش از این لایه نظری است.

ایشان در جایی دیگر، ادله شرعی را به دو قسم ادله محرز (امارات قطعی و ظنی) و اصول عملی تقسیم می‌کند. ادله کاشف حکم شرعی و کاشف از واقع هستند، اما اصول عملی صرفاً از حیث عملی تکلیف انسان را روشن می‌کنند (همان، ص ۱۹۷).

همچنین ایشان احکام شرعی را از حیث «اسناد به شارع» و «عمل به آنها» تفکیک می‌کند و می‌نویسد: معذرت و منجزیت مربوط به جنبه عملی احکام است، اما اینکه بخواهیم حکمی را به خدا نسبت دهیم و بگوییم: خداوند این را گفته است، باید به آن قطع داشته باشیم (صدر، ۱۴۲۱ق - ج، ص ۱۹۳-۱۹۴). بنابراین، از دیدگاه شهید صدر، هر نوع استنباط براساس ظهورات و نصوص که در پی کشف نظریه‌ای از منابع دینی، از جمله قرآن باشد، «اجتهاد» است. این اجتهاد در مقام نظریه‌پردازی و از حیث اسناد به شارع، به‌نحو کاشفیت است.

از سوی دیگر، در نظر ایشان تفاسیر تربیتی صرفاً منتهی به فهم مدلول لفظی آیات قرآن می‌شود و توان فراتر رفتن از آن و ترکیب مدالیل حاصل از تک‌تک آیات و برقراری ارتباط میان آنها و اکتشاف نظریه قرآن در

موضوعات گوناگون را ندارد. بنابراین، در اصطلاح شهید صدر تفسیر ترتیبی که در حد کشف مدلول الفاظ است، تفسیری تقلیدی (سنتی) است، اما تفسیر موضوعی با کشف مسائل واقع زندگی و عرضه آنها به قرآن، روشی «اجتهادی» است تا با گام نهادن به ورای مدلول لفظی و لغوی آیات، نظریه‌های اساسی قرآن را از خلال آیات به هم مرتبط کشف کند و این نظریه را به خداوند نسبت دهد (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۲۴-۲۵).

براساس این مطالب، می‌توان نتیجه گرفت: چه در فقه و چه در تفسیر قرآن، تنها این روش «اجتهادی» است که منتهی به کشف نظریه می‌شود؛ حال یا نظریه فقهی که همان حکم شرعی برای تنظیم حیات بشری است، یا نظریه قرآنی که همان نظریه اساسی برای ارائه معرفتی علمی از واقع زندگی بشری است. از میان «تفسیر ترتیبی» و «تفسیر موضوعی» نیز تفسیر موضوعی است که اجتهادی است و صلاحیت محقق کردن مرجعیت قرآن در اکتشاف نظریه‌های قرآنی و معرفت علمی از قرآن را دارد. از این روست که شهید صدر در معنایی عام، هدف از حرکت اجتهاد را توانمندسازی مسلمانان برای اجرای نظریه اسلام در زندگی می‌داند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۵۱۴-۵۱۵).

این اجتهادی بودن «تفسیر موضوعی» هرچند با معصوم بودن متن قرآن تناسب دارد، اما برای علمی بودن نظریه مستخرج از قرآن، باید برخورداری «تفسیر موضوعی» از روشمندی علمی نیز اثبات شود. شهید صدر درباره اکتشاف نظریه قرآن درباره قوانین تاریخی معتقد است: روح قرآن تأکید دارد که قوانین تاریخی هویت علمی، عینی و ناظر به واقع دارند. مهم‌ترین ویژگی قوانین علمی «عمومیت» (تکرارپذیری و تخلف‌ناپذیری) است (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۷۰). بنابراین، روش تفسیر موضوعی برای اکتشاف نظریه قرآن، روشی علمی است که در پی کشف نظریه‌های عام و جهانشمول است. در واقع، روش «اجتهادی» در تفسیر موضوعی، یک روش علمی است که با اکتشاف نظریه‌های علمی از قرآن کریم متناسب است.

۲-۳. مسئله محوری در تفسیر موضوعی

پژوهش‌های نظریه‌پردازانه در علوم انسانی، مسئله‌محور است. از دید روش‌شناختی، پژوهش از مواجهه پژوهشگر با مسئله آغاز می‌شود. آنگاه گام‌های پژوهش برای حل آن مسئله برداشته می‌شود و در وضعیت مطلوب، یک نظریه علمی در اثر پاسخ نهایی محقق به مسئله ارائه می‌شود. نتیجه این فرایند افزون شدن یک نظریه بر نظریات پیشین یا همان «تولید علم» است (پوپر، ۱۳۸۳، ص ۲۸۱۰؛ بیکر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴ و ۱۰۹-۱۱۲).

با دقت در هدف تفسیر موضوعی که همان کشف نظریه قرآنی درباره واقعیات بشری است، این نوع تفسیر نیز که سنجی از روش «اجتهادی» برای ارائه نظریه‌های قرآنی در علوم انسانی است، از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین، باید مسئله‌محور بوده و از پشتوانه رویکرد علمی، چارچوب نظری و روش حل نیز برخوردار باشد. در غیر این صورت، «تفسیر موضوعی» به نظریه‌پردازی و در نهایت، به تولید علم منتهی نخواهد شد. حال سؤال این است که آیا «تفسیر موضوعی» مدنظر شهید صدر، مسئله‌محور است؟

در پاسخ باید توجه داشت که:

اولاً، موضوع غیر از مسئله تحقیق است. مسئله امری است ژرف، معین، تحقیق‌پذیر، دارای راه‌حل و منتهی به حصول شناخت جدید. اما موضوع امری است سطحی، کلی، فاقد راه‌حل معین و غیرمنتهی به تولید شناخت جدید (بیکر، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴-۱۱۲).

ثانیاً، در مطالعات علوم انسانی رایج، محققان مسئله را از دو طریق به‌دست می‌آورند:

الف) از رشته‌های علمی؛ در رویکردهای علمی، با توجه به مبانی و نظریه‌های آن رویکرد، به‌تدریج مجموعه‌ای از مسائل مرتبط شکل می‌گیرد. حال اگر پژوهشگر بخواهد مسئله جدیدی را وارد آن کند، آن مسئله باید با شبکه مسائل هر رویکرد علمی مرتبط بوده، از خلأها و ابهام‌های موجود در پیوند بینامسئله‌ای آن رویکرد حاصل شده باشد؛ زیرا محقق با اشراف بر مسائل شکل‌گرفته و نظریه‌های پیشین در یک علم خاص، مسائل حل‌ناشده را تشخیص می‌دهد و به حل آنها می‌پردازد (محمدی فرد، ۱۳۹۸، ص ۶۳).

ب) از مشکلات واقع‌زندی اجتماعی؛ در اینجا، زمانی مسئله شکل می‌گیرد که پژوهشگر در هنگام مطالعه بر روی جامعه، با یک مشکل اجتماعی روبه‌رو شود. در این وضعیت، مسئله‌ای را که راه‌حل آن را روش‌شناسی مطرح در رویکرد علمی مقبول او در اختیارش می‌گذارد، از دل مشکل استخراج می‌کند (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۷۰).

اما شهید صدر قسم سوم و عمیق‌تری از کشف مسئله را ابداع می‌کند که متناسب با طرح اکتشاف «نظریه اساسی» از قرآن است. در واقع، جهت‌گیری تفسیرموضوعی او در جهت فروگشایی و ارائه راه‌حل برای موضوع در تفسیر موضوعی است. این بدان معناست که «موضوع» در نظر ایشان، همان «مسئله علم» است؛ مسئله‌ای که نه از یک رشته علمی یا صرفاً مشکلات زندگی اجتماعی، بلکه از «واقع زندگی بشری» اخذ می‌شود.

در این قسم که می‌توان آن را قسم سوم مسئله‌یابی دانست، محقق با شناسایی مشکلات و راه‌حل‌های تاریخ بشر، مسائل مربوط به انسان را از واقع زندگی بشری کشف می‌کند. این نوع طرح مسئله که مختص رویکرد علمی خاص «تفسیر موضوعی» در اندیشه اسلامی است، تمام منطقه‌های علم را شامل می‌شود؛ زیرا یکی از اموری که شهید صدر برای انتخاب موضوع در تفسیر موضوعی ضروری می‌داند، استخراج تمام تجارب بشری و مشکلات راه‌حل‌های بشری درباره آن موضوع است (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۲۹). این مسئله در حقیقت مشغله ذهنی انسان در طول تاریخ بوده، پاسخ به آن، نظریه‌ای اساسی و کلان در علوم انسانی به شمار می‌آید.

البته در این باره باید افزود که شهید صدر توسعه علم را در دو سطح افقی و عمودی تبیین می‌کند. در رشد افقی، وظیفه پژوهشگر قرآنی و دینی تکثیر موضوعات است؛ به این صورت که همواره پرسش‌های جدید را به منابع دینی ارائه دهد تا پاسخ‌های مناسب را درباره موضوعات گوناگون از دین کشف کند. اما برای توسعه یک علم این کافی نیست، بلکه رشد عمودی نیز لازم است؛ بدین معنا که پژوهشگر در یافتن موضوعات، شیوه‌ای را در پیش گیرد که او را به موضوعات عمیق و پایه‌ای و در نتیجه، پاسخ‌های پایه‌ای قرآن در آن باره برساند. یکی از تفاوت‌های «تفسیر

موضوعی» و «تفسیر تربیتی» در همین جا نمایان می‌شود. مفسران موضوعی باید موضوع را از تجربه بشری اخذ کنند، اما به شیوه موضوعی به تفسیر بپردازند تا در سیری عمودی، به نظریه‌های اساسی قرآن درباره آن موضوع دست یابند (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۳۷-۳۸).

خلاصه آنکه چون «تفسیر موضوعی» شهید صدر تفسیری است که از واقعیت آغاز می‌شود و به قرآن منتهی می‌گردد، موضوع مدنظر ایشان نیز لازم است برگرفته از واقع زندگی باشد. این موضوع اصطلاحاً مسئله‌ای است که پاسخ به آن توانایی تبیین یکی از اساسی‌ترین امور بشریت را دارد. بنابراین، از دیدگاه وی، «تفسیر موضوعی» از یک روش «کشف مسئله علمی» برخوردار است که در آن نظریه‌پرداز قرآنی این توانایی را می‌یابد که از واقع زندگی بشری، مسائل تحقیق را کشف و به قرآن عرضه کند.

۳-۲. ارتباط با واقع زندگی بشری: نقطه مشترک تفسیر موضوعی و نظریه‌پردازی در علوم انسانی

از نظر شهید صدر یک تفاوت تفسیر با فقه این است که به لحاظ تاریخی، تفاسیر تربیتی به سبب فاصله یافتن از واقعیات انسانی و اجتماعی، رشد چندانی نداشته‌اند؛ اما بعکس، دانش فقه به علت ارتباط با واقع زندگی، روزبه‌روز رشد کرد و توسعه یافت. بنابراین، تفسیر نیز برای اینکه رشد کند باید همچون فقه از شیوه «تربیتی» به «موضوعی» روی آورد و با واقعیات زندگی مرتبط شود (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۱۹ و ۲۷).

البته شهید صدر به این نکته توجه دارد که سبک زندگی در جوامع، با توجه به مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کند. از این رو، با طرح نیازهای بنیادی و متغیر انسان، قوانین دین را بر دو قسم «ثابت» و «متغیر» می‌داند که قسم اول وابسته به جامعه خاصی نبوده، نیاز هر زندگی اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱-۱۳۵).

از دیدگاه ایشان، اصلی‌ترین و مهم‌ترین قدم برای شناسایی موضوع که توجه نداشتن به آن «تفسیر موضوعی» را از هویت موضوعی بودن تهی می‌کند، آغاز کردن تفسیر از واقع زندگی است (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۲۷). از دیدگاه وی، تنها با برقراری ارتباط با واقع زندگی اجتماعی و در تعامل با مسائل بشری می‌توان به مقصود نهایی متن قرآن دست یافت (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲-۲۱۳). پس از بررسی مشکلات زندگی، مواجهه با تجربه‌ها و راه‌حل‌های بشری و کشف مناطق حل‌ناشده توسط بشر، مفسران موضوعی با توشه‌ای گرانسنگ از میراث علمی و فرهنگی بشری و رهاوردی عظیم، به سراغ قرآن می‌روند و از آن پرسش می‌کنند. قرآن کریم نیز به تناسب دستاوردهایی که مفسران از تجربه‌های بشری به همراه دارند و استعداد آنان، به ایشان پاسخ می‌دهد (همان، ص ۲۹-۳۰).

در این مرحله، مفسران پرسش‌هایی را طراحی می‌نمایند تا با عرضه آنها به قرآن کریم، بتوانند نظریه اساسی کتاب خدای متعال درباره این موضوع را کشف کنند (همان، ص ۴۶-۴۷). این نوع روی‌آوری به قرآن، راز جهانی بودن و جاودانگی قرآن را آشکار می‌کند؛ زیرا تفسیر موضوعی همواره با افزوده شدن تجربه‌های بشری و ارجاع

پرسش‌های اصلی برآمده از آن به قرآن، رشد می‌کند و غنی‌تر می‌شود. همین روش در سیری عمودی، در مواجهه با قرآن و عرضه سؤال‌های بنیادین به آن، سرانجام مفسر را به استنباط قوانین کلی از قرآن و حصول نظریه‌های اساسی از آن موفق می‌گرداند (همان، ص ۲۹-۳۲).

این نحوه مراجعه به تجربه‌های بشری به‌گونه‌ای است که مسئله «بشر» را از خلال تجربه‌ها و راه‌حل‌ها کشف کند، نه «بشر» خاص را. گرچه مسائل جاری در جوامع بشری، انسان را برای آغاز کشف مسئله واقع زندگی رهنمون می‌شود، اما برای رجوع به قرآن حکیم که می‌خواهد مطلق بشر را هدایت کند، نه قسم خاصی از بشر را، نیازمند عبور از مسئله جزئی به مسئله بشر هستیم. این نگاه با مسئله‌یابی محدود اندیشمندان علوم انسانی در غرب متفاوت می‌شود؛ زیرا آنان مسائل خاص بشر در محدوده فکری، فرهنگی و تجربی خود را جویا شده، با حل این مسائل به نظریه‌های محدود می‌رسند، برخلاف نظریه‌های قرآن که نظریه‌های اساسی و جهانشمول است.

۴-۲-۳. هدف نهایی؛ اکتشاف نظریه‌های علمی ناظر به واقع و کارآمد قرآنی

نظریه‌ها پشتوانه شکل‌گیری علوم بوده، پیوندی ناگسستنی میان علم و نظریه برقرار است، به‌گونه‌ای که بدون داشتن نظریه‌های علمی، علوم شکل نمی‌گیرند. شهید صدر در همین زمینه استخراج نظریه از قرآن را هدف نهایی تفسیر موضوعی دانسته، از طریق تفسیر موضوعی، یک فرایند روشمند برای تحقق این هدف (نظریه‌پردازی قرآنی) ارائه می‌دهد (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۲۷ و ۳۳).

آنچه از مباحث شهید صدر به‌دست می‌آید این است که نمی‌توان صرفاً با تکیه بر روش‌های تحقیق متنی، نظریه علوم انسانی قرآنی را به چنگ آورد؛ همچنان که نمی‌توان بدون ضابطه از روش‌های علوم انسانی (مانند تحلیل محتوا و نظریه زمینه‌ای) بهره برد و نگران تحمیل نظریه‌های علوم انسانی بر قرآن نبود؛ زیرا روش با مسئله همراستا و همسنخ است. در این رهیافت، روشی که از ابتدا برای فروگشایی متن حاصل آمده، تنها منتهی به کشف معنای الفاظ می‌شود، و روشی که از ابتدا برای کشف قوانین اجتماعی و شناسایی واقعیات انسانی ابداع شده، منتهی به استخراج نظریه‌های علوم انسانی خواهد شد.

از این رو، صرف به‌کارگیری روش‌های متن‌پژوهی و بدون داشتن یک روش‌شناسی «اجتهادی» از سنخ علوم انسانی، محقق را به نظریه قرآنی نخواهد رساند. شهید صدر به‌خوبی به این مطلب اشاره دارد و تفسیر کاملاً متنی قرآن، یا همان «تفسیر ترتیبی» را منتهی به نظریه‌های اساسی قرآن نمی‌داند، بلکه دستیابی به نظریات قرآن را نیازمند بهره‌گیری از یک سیر فرایندی از واقع زندگی به‌سوی قرآن می‌شمارد، که روش خاص خود را نیز می‌طلبد (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۲۴-۲۵).

از دیدگاه شهید صدر، تمسک به روش «تفسیر موضوعی» مفسر را برای دستیابی به نظریه‌های اساسی قرآن در موضوعات گوناگون زندگی توانمند می‌سازد (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۳۳). ایشان معتقد است: تفسیر

موضوعی تنها در عرصه مفاهیم و موضوعات صریح در قرآن نیست، بلکه تمام موضوعاتی را نیز که در حیطه زندگی انسان و در قلمرو دین قرار گرفته و نسبت به آنها مشکل‌ها و پرسش‌هایی مطرح است، دربر می‌گیرد (همان، ص ۲۰).

بنابراین، وی نظریه‌پردازی را یک کنش اجتماعی می‌داند و - در واقع - تفکر برای ارائه رویکرد نظری درباره جهان و زندگی را یک فعل تاریخی می‌داند که هویت اجتماعی دارد و در زمینه اجتماع رخ می‌دهد. بنابراین، از دیدگاه وی، بدون اجتماع، نظریه‌پردازی علمی و تفکر درباره جهان و زندگی، منتفی است. این دیدگاه پشتوانه معرفتی رجوع به تجربه‌های بشری برای شناخت مسئله در تفسیر موضوعی را آشکار می‌کند؛ زیرا بدون رجوع به تجربه‌های بشری برآمده از جوامع بشری، نظریه‌پردازی امکان‌پذیر نیست.

ایشان این سنخ تفکر را «تفکر اجتماعی» نامیده، آن را در مقابل «تفکر ریاضی» قرار می‌دهد و بر این باور است که «تفکر اجتماعی در خلال ارتباط و تعامل با مردم، آگاهی از شرایط و اقتضائات جهان، اطلاع از تجربه‌هایی که دیگران داشته‌اند و مقایسه اوضاع خودمان با دیگران شکل می‌گیرد». بنابراین، نمی‌توان مسائل اجتماعی را به همان روش برهانی و ریاضی حل کرد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۵۰۲).

از سوی دیگر وی معتقد است: نظریه‌پردازی باید ناظر به واقع موجود جهان اسلام باشد، وگرنه نظریه بدون عمل، همان علم بی‌عمل است (همان، ص ۴۱۲). بنابراین، در تبیین کارکرد نظریه «قوانین تاریخ در قرآن»، فایده آگاهی از این قوانین را توان تسلط انسان بر تاریخ می‌داند؛ زیرا انسان برای اثرگذار بودن، باید قوانین تاریخی را بشناسد. در غیر این صورت، ناخودآگاه این قوانین بر او حاکم خواهد شد (همان، ص ۷۴ و ۷۶). در واقع، قوانین تاریخی که هویتی شناختی نسبت به واقع دارد، در عمل کارآمد بوده، کارکرد عملی آن برنامه‌ریزی برای زندگی است.

افزون بر این، شهید صدر تصریح دارد قانون تاریخی قرآنی قانونی علمی است؛ زیرا - چنان‌که گذشت - از ویژگی «عمومیت» (تکرارپذیری و تخلف‌ناپذیری) برخوردار است. (صدر، ۱۴۲۱ق - د، ج ۱۹، ص ۶۹) بنابراین، «نظریه اساسی» معادل «قانون علمی» است و نظریه قرآنی مستقیماً علمی است و نیاز به اعتبارسنجی با تجربه ندارد تا از این رهگذر، وصف علمیت پیدا کند. نظریه‌های علمی قرآنی از دیدگاه شهید صدر واقع‌نما هستند؛ به این معنا که کاشف از واقع هستند و معرفتی علمی از واقع برای ما ایجاد می‌کنند.

ایشان در این باره می‌نویسد: قوانین تاریخی هویتی عینی دارند؛ در عین حال، هویتی نیز ربانی دارند. هویت ربانی^۱ الله را جایگزین روابط سببی با دیگر پدیده‌های هستی نمی‌کند، بلکه پیوند طبیعت و انسان با الله را برقرار می‌کند (همان، ص ۷۰-۷۴). چنان‌که گذشت، اساساً شهید صدر رسالت تمام علوم، اعم از علوم انسانی و طبیعی را اکتشاف حقایق، اکتشاف روابط آنها و اکتشاف قوانین حاکم بر آنها در عالم واقع می‌داند (صدر، ۱۴۲۱ق - الف، ج ۵، ص ۱۳۲-۱۳۳).

نتیجه‌گیری

«تفسیر موضوعی» تفسیری کل‌نگر است و گامی فراتر از «تفسیر ترتیبی» گذارده، میان مداریل لفظی آیات که حاصل «تفسیر ترتیبی» است، پیوند ایجاد می‌کند. این تفسیر مسئله‌محور است و مسائل خود را در یک فرایند اجتهادی، از واقع زندگی و تجربه‌های بشری اخذ کرده، به قرآن عرضه می‌کند و مفسر در نقشی فعال، پاسخ‌های قرآن را در قالب نظریه کشف می‌کند. این قسم تفسیر جاودانی بودن قرآن در عرصه ارائه برنامه زندگی بشر را آشکار می‌کند و با وجود نقش فعال داشتن مفسر در آن، به علت روشمندی اخذ مسئله و مفهوم‌سازی مداریل قرآنی، از آسیب تفسیر به‌رأی جلوگیری می‌کند.

این سنخ تفسیر با تکیه بر «طرح رویکرد» و مرجعیت علمی قرآن، هویتی روشی یافته، بستر نظریه‌پردازی روشمند قرآنی و دینی را فراهم می‌آورد. در الگوی مفهومی، می‌توان جایگاه «تفسیر موضوعی» در نظام نظریه‌پردازی شهید صدر را این‌گونه ترسیم کرد:

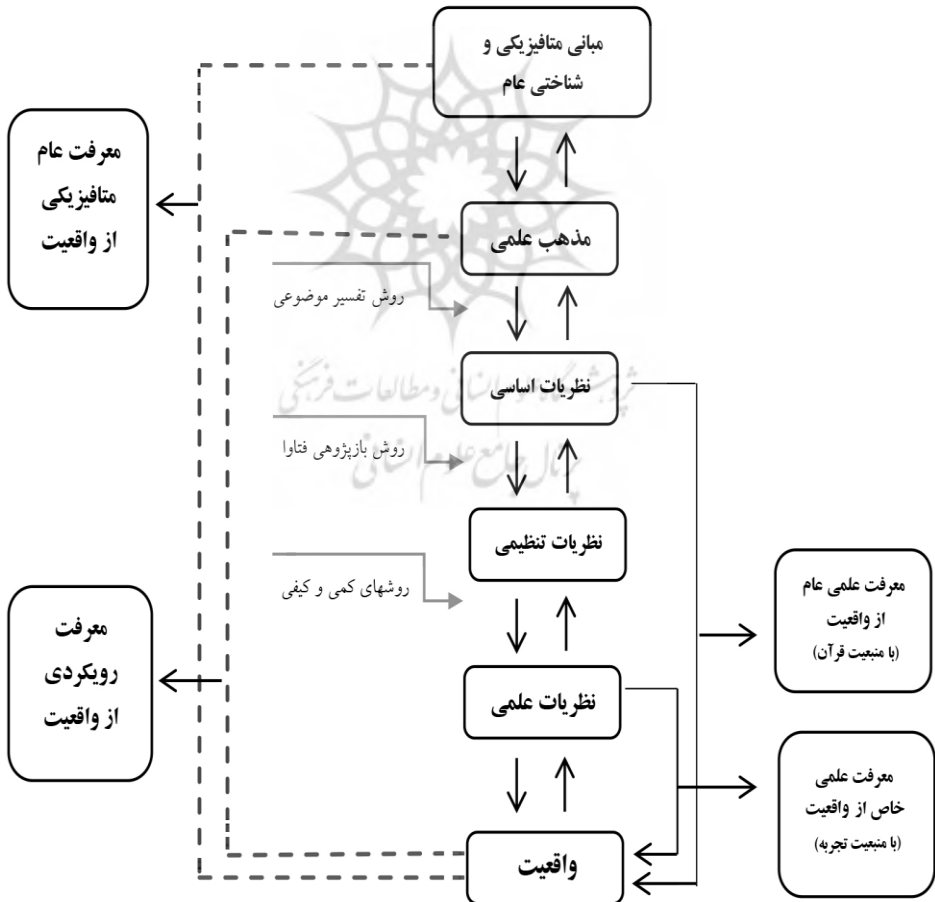
شکل ۱: الگوی مفهومی جایگاه تفسیر موضوعی در نظام نظریه‌پردازی شهید صدر



این الگوی مفهومی نشان می‌دهد شهید صدر، مانند برخی اندیشمندان تحول‌خواه، تنها به طرح شعار «بازگشت به قرآن» بسنده نکرده، بلکه در یک نظام فکری منسجم، «طرح نظریه‌پردازی قرآنی» را تثبیت می‌کند. آنگاه به پشتوانه «طرح رویکرد»، روش «علمی - اجتهادی» معتبر و متناسب با این طرح را در «تفسیر موضوعی» بازتاب می‌دهد. وی با بهره‌گیری از روش «تفسیر موضوعی» مدنظر خود، منبع معرفتی بودن قرآن را از سطح انتزاع به واقعیت رسانده، تحقق آن را با این روش تضمین می‌کند. ایشان در عین حال، تذکر می‌دهد که نظریه‌های قرآنی باید واقع‌نما و نسبت به مسائل انسان کارآمد باشند.

نوع ورود شهید صدر در آثار گوناگونش به واقعیت انسانی، در آثار ایشان ترسیم شده است. با توجه به لایه‌های معرفت، توجه به نمودار ذیل که نشان‌دهنده اقسام روش‌های تحقیق در لایه‌های گوناگون علم است، می‌توان جایگاه «تفسیر موضوعی» نزد شهید صدر را بهتر دریافت:

نمودار ۱: اقسام روش‌های تحقیق در لایه‌های علم



منابع

- الخرس، ریاض، ۱۴۲۷ق، *المجربات الاجتماعية والتوجه نحو التفسير الموضوعی*، بیروت، دارالهادی.
- ایمان، محمدتقی، ۱۳۹۶، *هویت معرفت علمی علوم انسانی در ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بلیکی، نورمن، ۱۳۸۴، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- ، ۱۳۹۵، *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان و سیدمسعود ماجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیکر، تزل، ۱۳۷۷، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، سروش.
- پوپر، کارل، ۱۳۸۳، *زندگی سراسر حل مسئله است*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران، نشر مرکز.
- جانکر، جان و بارتجان پنینک، ۱۳۹۴، *ماهیت روش‌شناسی تحقیق*، ترجمه محمدتقی ایمان و عبدالرضا امانی‌فر، شیراز، دانشگاه شیراز.
- جلیلی، سیدهدایت، ۱۳۹۸، *تفسیر موضوعی، چپستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها*، قم، بوستان کتاب.
- حسینی، سیدحمیدرضا، ۱۳۹۷، *درآمدی بر پارادایم/اجتهادی دانش عملی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۸، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح یزدی»، *قرآن‌شناخت*، ش ۴، ص ۱۱۱-۱۴۶.
- ، ۱۳۹۴، «ظرفیت‌شناسی تفسیر و علوم قرآنی برای علوم انسانی»، در: *ظرفیت‌شناسی علوم اسلامی در تحول علوم انسانی*، قم، مجمع عالی حکمت اسلامی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۸، «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۶، ص ۲۹-۴۸.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۳، *اسلام راهبر زندگی*، ترجمه سیدمهدی زندیه، قم، دار الصدر.
- ، ۱۳۹۴، *بارقه‌ها*، ترجمه سیدامید موذنی، قم، دار الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - الف، *المدرسة الإسلامية*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - ب، *دروس فی علم الأصول*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - ج، *دروس فی علم الأصول*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۱ق - د، *المدرسة القرآنية*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۴ق، *فلسفتنا*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۲۶ق، *البنک الاربوي فی الإسلام*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- ، ۱۴۳۳ق، *اقتصادنا*، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- فتحی، علی، ۱۳۸۵، «تفسیر موضوعی و مراحل آن»، *معرفت*، ش ۱۰۷، ص ۹۷-۱۰۴.
- فرجاد، محمد، ۱۳۷۵، «تنبیسته‌ها در تفاسیر یکصد ساله اخیر»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷، ص ۲۰۶-۲۳۱.
- کریمی، مصطفی، ۱۳۹۱، «مبانی تفسیر موضوعی با تأکید بر تفسیر المیزان»، *معرفت*، ش ۱۷۳، ص ۴۱-۶۰.
- محمدی فرد، علیرضا، ۱۳۹۸، *پیش‌فرض‌ها و الزامات تفسیر موضوعی ناظر به نظریه‌پردازی*، رساله دکتری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محمدی، ابوبالغ، ۱۳۷۵، «منابع و روش‌های تفسیر موضوعی در سده چهاردهم»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷، ص ۱۵۰-۱۷۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی و محمدحسین ذوالفقاری، ۱۳۸۸، «تفسیر موضوعی»، *معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۱۸۵.
- موسوی، هادی و علیرضا محمدی فرد، ۱۴۰۱، «از موضوع تا مسئله علم در تفسیر موضوعی شهید صدر»، *راهبرد فرهنگ*، ص ۳۵-۶۱.
- نظریبگی، مریم، ۱۳۹۵، *بررسی تطبیقی روش‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن و ارائه تعریفی نوآزان*، رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، کاشان، دانشگاه کاشان.
- هادوی‌نیا، علی اصغر، ۱۳۸۶، «علم و دین در پرتو روش تفسیر موضوعی - علمی قرآن کریم (کاربرد آن در اقتصاد)»، *اندیشه دینی*، ش ۲۵، ص ۲۱-۵۰.
- یدالله‌پور، بهروز، ۱۳۸۳، *مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن*، قم، دارالعلم.